

رابطه بین شاخص عاطفی عصبی شخصیت و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با صفات مرضی
شخصیت دانش آموزان متوسطه مدارس تیز هوشان
**The relationship between the affective neuroscience personality scales
and early maladaptive schemas with the personality traits of high
school students of gifted schools**

Hanie Fatahi

Master of personality psychology, Department of
Psychology, Islamic Azad University, Sari, Iran.

هانیه فتاحی

کارشناس ارشد روانشناسی شخصیت، دانشگاه آزاد اسلامی،
ساری، ایران.

Shaban Heydari

Professor, Department of Educational Sciences,
Zanjan, Islamic Azad University, Zanjan Branch,
Iran.

Email: Shaban.heydari17@yahoo.com

شعبان حیدری^۱

استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

Abstract

This study investigates the correlation between affective neuroscience personality scales, early maladaptive schemas, and personality traits among high school students attending gifted schools. The research is applied in purpose and descriptive in data collection methodology. The study's target population consists of gifted students in the second stage of secondary school in Ardabil city during the academic year 2023-2024. Utilizing Morgan's table, a sample size of 322 students was randomly selected through cluster sampling. Data collection instruments included the Affective Neuroscience Personality Scales, Personality Inventory for DSM-5 (PID-5), and Young Schema Questionnaire-Short Form. Simultaneous regression analysis was employed to examine how primary maladaptive schemas and the emotional personality index of neuroscience predict pathological personality traits among gifted students. Results indicate that components of affective neuroscience personality scales significantly predict pathological traits with 54% explanatory power ($F(9) = 41.45$; $p < 0.001$), while early maladaptive schema

چکیده

مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه بین شاخص عاطفی عصبی شخصیت و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با صفات مرضی شخصیت دانش آموزان متوسطه مدارس تیز هوشان انجام شد. پژوهش حاضر از نظر هدف تحقیقی کاربردی و از لحاظ جمع‌آوری اطلاعات، تحقیقی توصیفی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی دانش آموزان تیزهوشان در مقطع دوم متوسطه شهر اردبیل بود که در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ به تحصیل مشغول بودند. نمونه پژوهش حاضر بر اساس جدول مورگان ۳۲۲ دانش آموز برآورد شد و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. ابزارهای گردآوری اطلاعات نیز پرسشنامه مقیاس شخصیت نوروساینس پانکسپ (ANPS)، سیاهه شخصیت (PID-5) برای DSM-5 و پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ (SQ-SF) بود. به منظور آزمون حیطه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه و شاخص شخصیت عاطفی عصب‌شناسی در پیش‌بینی صفات مرضی شخصیت دانش آموزان تیزهوشان از تحلیل رگرسیون به شیوه همزمان استفاده شد. نتایج نشان داد که مولفه‌های شاخص شخصیت عاطفی عصب‌شناسی، صفات مرضی شخصیت را با ۵۴ درصد قدرت تبیین به‌طور

^۱ نویسنده مسئول: Email: Shaban.heydari17@yahoo.com

رابطه بین شاخص عاطفی عصبی شخصیت و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با صفات مرضی شخصیت دانش آموزان متوسطه مدارس تیزهوشان

areas demonstrate 58% predictability ($F(5) = 89.425$; $p < 0.001$). This study sheds light on the intricate relationship between early maladaptive schemas, affective neuroscience personality scales, and pathological personality traits among gifted high school students. Identification of specific schema domains predicting personality pathology can inform targeted interventions, fostering healthier cognitive and emotional processes, and enhancing psychological well-being in this demographic.

Keywords: affective neuroscience personality scales, early maladaptive schema, pathological personality traits, gifted students.

معناداری ($F(9) = 41/45$; $p < 0/001$) پیش بینی کرده اند. این میزان نیز برای حیطه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه ۵۸ درصد بود ($F(5) = 89/425$; $p < 0/001$). این مطالعه بینش‌های ارزشمندی را در مورد تعامل پیچیده بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه، شاخص عاطفی عصبی شخصیت و صفات مرضی شخصیت در میان دانش‌آموزان تیزهوش دبیرستانی ارائه می‌دهد. با شناسایی حوزه‌های خاصی از طرحواره‌های ناسازگار اولیه که آسیب‌شناسی شخصیت را پیش‌بینی می‌کنند، می‌توان مداخلاتی را برای هدف قرار دادن این فرآیندهای شناختی و عاطفی زیربنایی طراحی کرد و در نهایت رشد شخصیت سالم‌تر و بهزیستی روان‌شناختی را در میان این جمعیت ارتقا داد.

واژه‌های کلیدی: شاخص عاطفی عصبی شخصیت، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، صفات مرضی شخصیت، دانش آموزان تیز هوشان.

نوع مقاله: پژوهشی دریافت: اسفند ۱۴۰۳ پذیرش: فروردین ۱۴۰۴

مقدمه

امروزه در سطح دنیا (لنویک، جونز و هدیسل^۱، ۲۰۲۳) و در ایران (عظیمی، جعفری و مهدوی‌نسب^۲، ۲۰۲۳) علاقه به مطالعه در خصوص دانش آموزان تیزهوش^۳ و تمایز و سازگاری آموزش برای این جمعیت دانش آموزی رو به افزایش است. در ادبیات پژوهشی مربوط به دانش آموزان تیزهوش و با استعداد، به نظر می‌رسد که تقریباً به اندازه دانشمندان این حیطه تعاریف متفاوتی از دانش آموزان تیزهوشان وجود دارد (اشترنبرگ و آمبروس^۴، ۲۰۲۱). در مطالعه حاضر از تعریف زیر استفاده کردیم: دانش آموزان تیزهوش دانش‌آموزانی هستند که نیاز و پتانسیل بالایی در دروس تحصیلی مانند ریاضیات، خواندن/نوشتن/زبان، علوم، فناوری، علوم اجتماعی یا موضوعات خلاق/زیبایی شناختی دارند (لنویک، جونز و هسجیدل^۵، ۲۰۲۲) که تنها در صورتی می‌توانند پتانسیل بالقوه خود را به بالفعل تبدیل کنند که نیازهای آنها در یک محیط آموزشی غنی و پاسخگو برآورده شود. (لنویک و همکاران، ۲۰۲۳). این افسانه که دانش‌آموزان تیزهوش می‌توانند به تنهایی مسائل را مدیریت کنند در حال رد شدن است (باکاسینو و پینل^۶، ۲۰۲۳)، با این وجود، هنگامی که راهنمایی درستی در مورد دانش‌آموزان تیزهوش وجود نداشته باشد، آنها در معرض مشکلات اجتماعی-عاطفی، مسائل رفتاری، روابط منفی با همسالان و معلمان، خود ارزش‌مندی منفی (تاسکا^۷ و همکاران، ۲۰۲۲) و همچنین چالش‌های مرتبط با صفات شخصیت (ممدوف^۸، ۲۰۲۳؛ پرکورن و وگنر^۹، ۲۰۲۰) قرار می‌گیرند. ارتباط تیزهوشی با ویژگی‌ها و صفات شخصیت از اهمیت زیادی برخوردار است چرا که شخصیت در اوایل کودکی شکل می‌گیرد و یک ویژگی دیرپا محسوب می‌شود و تاثیر زیادی بر زندگی و سرنوشت فرد دارد (کاستو و بیراکس^{۱۰}، ۲۰۱۸).

1. Lenvik, Jones & Hesjedal

2. Azimi, Jafari & Mahdavinassab

3. gifted students

4. Sternberg & Ambrose

5. Lenvik, Jones & Hesjedal

6. Baccassino & Pinnelli

7. Tasca

8. Mammadov

9. Peperkorn & Wegner

10. Csathó & Birkás

صفات شخصیتی افراد با استعداد و تیزهوش، دهه‌هاست که در خط مقدم تحقیقات در زمینه آموزش تیزهوشان قرار داشته است (ممدوف، ۲۰۲۳). بررسی ویژگی‌های شخصیتی در میان تیزهوشان به کار پیشگام ترمن^۱ (۱۹۲۵) برمی‌گردد که در آن او سازگاری اجتماعی، سلامت جسمانی، کنجکاوی و اشتیاق بالاتر از حد متوسط را در بین تیزهوشان گزارش کرد. بررسی سیستماتیک اولزفسکی-کوبیلیوس^۲ و همکاران (۱۹۸۸) نیز ارزش توجه دارد. آنها بر مقایسه بین افراد با تیزهوش و هم سن و سال و هم‌تایان غیر تیزهوش تمرکز کردند و به این نتیجه رسیدند که گروه تیزهوش از انسجام شخصیتی بهتری یعنی ثبات عاطفی، سازگاری، تسلط بالاتر و تنش و دلهره کمتری نسبت به همسالان خود برخوردار بودند. یافته‌های مطالعات اخیر نیز با گزارش‌های قبلی مطابقت دارد. به عنوان مثال ریثوین^۳ و همکاران (۲۰۱۹)، دریافتند که نوجوانان دبیرستانی تیزهوش در مقایسه با هم‌تایان خود که به عنوان تیزهوش شناخته نشده بودند، در باز بودن^۴ به عنوان یک صفت مثبت شخصیتی و انگیزه تحصیلی نمرات بالاتری کسب کردند و نمرات مدرسه بهتری داشتند. این سوال که آیا صفات شخصیتی با خلاقیت افراد رابطه دارند یا خیر، بحث‌های پرشوری را برانگیخته است و در دهه‌های گذشته ادامه داشته است. برای مثال، بادسون و پرکل^۵ (۲۰۱۳) نظریه‌های ضمنی معلمان را در مورد شخصیت دانش‌آموزان تیزهوش بررسی کردند و گزارش کردند که دانش‌آموزان تیزهوش در مقایسه با دانش‌آموزان دیگر درون‌گراتر، روان‌رنجورتر و کمتر موافق‌تر تلقی می‌شوند. اکثر مطالعات در این مورد بر روی مدل پنج عاملی شخصیت (FFM)^۶ متمرکز شده اند (لیمونت^۷ و همکاران، ۲۰۱۴؛ مک کری^۸ و همکاران، ۲۰۰۲؛ میلر و اسپیرز نومایستر^۹، ۲۰۱۷؛ زیدنر و شانی-زینوویچ^{۱۰}، ۲۰۱۱) و مدل‌های جدید مانند مدل مدل جایگزین اختلالات شخصیت^{۱۱} (AMPD) در DSM-5 مورد اغفال واقع شده است. این در حالی است که نظر می‌رسد یکی از معتبرترین مدل‌های مطرح شده برای صفات شخصیت که اخیراً در بخش سوم DSM-5 مطرح شده است، مدل صفات ناسازگار شخصیت است (انجمن روانپزشکی آمریکا^{۱۲}، ۲۰۱۳) که در پژوهش حاضر برای اولین بار به آن پرداخته شده است.

از طرف دیگر یکی از سازه‌های برجسته‌ی دیگری که می‌تواند با دانش‌آموزان تیزهوش رابطه داشته باشد، طرحواره‌های ناسازگار اولیه^{۱۳} (EMS) است (امامی^{۱۴} و همکاران، ۲۰۲۴؛ مهدوی^{۱۵} و همکاران، ۲۰۲۲). با این حال، ادبیات گسترده‌ای در این زمینه که به طور خاص روی این ارتباط متمرکز شده باشد وجود ندارد و فقط برخی از مطالعات تجربیات روانی و عاطفی افراد تیزهوش را در این حیطه بررسی کرده‌اند (راموس^{۱۶} و همکاران، ۲۰۲۳؛ موفیلد و همکاران، ۲۰۱۶؛ عقیلی^{۱۷}، ۲۰۱۶). مفهوم طرحواره‌های ناسازگار اولیه توسط جفری یانگ توسعه یافت و به عنوان بسط درمان شناختی-رفتاری (CBT)^{۱۸} و با ادغام عناصر مکاتب مختلف (مانند درمان‌های تجربی و روان‌پویشی^{۱۹})، دلبستگی^{۲۰} و سایر نظریه‌های تحولی در یک نظریه منسجم، فرموله شد (یانگ و کلووسکو^{۲۱}، ۲۰۰۳). طرحواره درمانی در ۳۰ سال گذشته با سرعت بسیار بالایی در حال توسعه بوده است و به سرعت در بسیاری از فرهنگ‌ها در سراسر جهان منتشر شده است (آرنتز^{۲۲} و همکاران، ۲۰۲۲). تئوری زیربنایی طرحواره درمانی بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه متمرکز بود که یانگ این سازه را اینگونه تعریف کرد: «مضمون یا الگوی گسترده و فراگیر، متشکل از خاطرات، هیجانات، شناخت‌ها و احساسات بدنی، در رابطه با خود فرد و روابطش با دیگران، که در دوران کودکی یا نوجوانی

1. Terman

2. Olszewski-Kubilius

3. Wirthwein

4. openness

5. Baudson and Preckel

6. Five-Factor Model of personality (FFM)

7. Limont

8. McCrae

9. Miller & Speirs Neumeister

10. Zeidner & Shani-Zinovich

11. Alternative Model of Personality Disorders

12. American Psychiatric Association

13. early maladaptive schemas

14. Emami

15. Mahdavi

16. Ramos

17. Aghili

18. cognitive-behavioral therapy (CBT)

19. experiential and psychodynamic therapies

20. attachment

21. Klosko

22. Arntz

رابطه بین شاخص عاطفی عصبی شخصیت و طر حواره‌های ناسازگار اولیه با صفات مرضی شخصیت دانش آموزان متوسطه مدارس تیزهوشان

فرد ایجاد شده و در طول زندگی فرد بسط یافته و تا حد قابل توجهی ناکارآمد است» (یانگ، کلووسکو و ویشر^۱، ۲۰۰۳). به طور خلاصه، در نظریه EMS، تصور می‌شود که آسیب شناسی روانی مزمن (یا شخصیت شناسی^۲) زمانی حاصل می‌شود که نیازهای هیجانی^۳ به اندازه کافی در دوران کودکی برآورده نشده است. یانگ و همکاران (۲۰۰۳) فرض کردند که پنج نیاز هیجانی (نیاز به امنیت، استقلال، آزادی بیان، بازی و محدودیت‌های واقع بینانه) برای رشد سالم ضروری است، هنگامی که این نیازها برآورده نمی‌شوند، خطر افزایش طر حواره‌های ناسازگاری در مورد خود، دیگران و جهان در کودک بوجود می‌آید که سازگاری سالم در زندگی بزرگسالی را با اختلال مواجه می‌کند. هجده طرح وارده فرموله شده و در پنج حوزه گروه بندی شده‌اند که با نیازهای هیجانی مطابقت دارد. یانگ و همکاران (۲۰۰۳) همچنین بیان می‌کنند که محرک‌های خاص می‌توانند EMS ها را فعال کنند و زمانی که به طور کامل فعال شوند، بر احساس^۴، هیجان و پردازش اطلاعات^۵ فرد تسلط خواهند داشت. باید توجه داشت که پاسخ‌های رفتاری به عنوان بخشی از EMS فرض نمی‌شوند، بلکه به دنبال فعال‌سازی EMS هستند. در همین راستا، یکی دیگر از مولفه‌هایی که هم می‌تواند با EMS رابطه داشته باشد و هم اینکه رد پای آن را می‌توان در افراد تیز هوش یافت سازه شاخص عاطفی عصبی شخصیت^۶ است (کالاهان^۷ و همکاران، ۲۰۲۰) که خلا پژوهشی در این مورد بسیار برجسته است و احتمالاً مطالعه حاضر جزئی از اولین کارهای علمی در مورد این متغیر در ایران است. البته با شاخص‌های عاطفی و عصبی به صورت مستقل مطالعاتی قبلاً انجام شده است (فرگوسن^۸، ۲۰۲۱؛ پترسون، بتس و باردلی^۹، ۲۰۲۱؛ آیایدین^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۳؛ شرر^{۱۱}، ۲۰۲۰؛ کالبلفلیش و ژاویر^{۱۲}، ۲۰۲۱).

نظریه شاخص عاطفی عصبی شخصیت که توسط پانکسپ^{۱۳} (۲۰۰۴؛ ۲۰۱۳)، توسعه یافته و تشریح شده است و یکی از قوی‌ترین و تثبیت شده‌ترین زمینه‌ها برای مطالعه هیجانات در سطح روان‌شناختی، عصب‌شناسی و روان‌پزشکی در نظر گرفته می‌شود (برینزا و همکاران، ۲۰۲۳). نظریه شاخص سیستم هیجانی عصبی هفت سیستم عاطفی اولیه فیلوژنتیکی^{۱۴} و ژنتیکی را پیشنهاد می‌کند که عبارت اند از جستجو^{۱۵}، خشم^{۱۶}، ترس^{۱۷}، مراقبت^{۱۸}، شهوت^{۱۹}، وحشت/غم^{۲۰} و بازی^{۲۱}) است و این هفت سیستم برای همه پستانداران و در مغز باستانی زیر قشری آنها مشترک است (دیویس و مونتاگ^{۲۲}، ۲۰۱۹؛ مونتاگ و پانکسپ، ۲۰۱۷؛ کالاهان و همکاران، ۲۰۲۰). هر سیستم عاطفی اساسی از نظر ابزارهای موروثی برای بقا و به طور کلی برای تناسب اندام به صورت تکاملی شکل گرفته است (دیویس و مونتاگ، ۲۰۱۹؛ مونتاگ و پانکسپ، ۲۰۱۷؛ کالاهان و همکاران، ۲۰۲۰). سیستم‌های عاطفی اساسی می‌توانند بدون قید و شرط توسط محرک‌هایی که به‌طور تکاملی انتخاب شده‌اند فعال شوند، اما می‌توانند به عنوان کاتالیزور (به معنای پاداش یا مجازات)^{۲۳} برای حافظه و فرآیندهای یادگیری عمل کنند (پانکسپ و بیون^{۲۴}، ۲۰۱۲). تئوری مقیاس‌های شاخص سیستم هیجانی عصبی بیان می‌کند که این هفت سیستم عاطفی اساسی شامل صفات شخصیتی مزاجی^{۲۵} است که رفتار فرد را در جهان کنترل و تحت تأثیر قرار می‌دهد (مونتاگ و روتر^{۲۶}، ۲۰۱۴). علاوه بر این،

1. Weishaar

2. characterological

3. emotional needs

4. feeling

5. information processing

6. affective neuroscience personality scales

7. Callahan

8. Ferguson

9. Peterson, Betts & Bradley

10. Ayaydin

11. Shearer

12. Kalbfleisch & Xavier

13. Panksepp

14. phylogenetic

15. SEEKING

16. ANGER

17. FEAR

18. CARE

19. LUST

20. PANIC/GRIEF

21. PLAY

22. Davis & Montag

23. catalysts (in the sense of reward or punishment)

24. Biven

25. temperamental personality traits

26. Reuter

سیستم‌های عاطفی می‌توانند با ایجاد احساسات بیش از حد، همراه با افکار و رفتارهای افراطی یا تحریف‌شده، منجر به عبارات ناکارآمد شوند (دیویس و مونتگ، ۲۰۱۹؛ مونتگ و پانکسپ، ۲۰۱۷؛ کالاهان و همکاران، ۲۰۲۰).

با توجه به آنچه بیان شد، دانش‌آموزان دبیرستانی که در مدارس تیزهوشان تحصیل می‌کنند، اغلب ویژگی‌های شخصیتی و الگوهای شناختی منحصربه‌فردی از خود نشان می‌دهند که می‌تواند به طور قابل‌توجهی بر رشد اجتماعی و عاطفی آنها تأثیر بگذارد. با این حال، تأثیر متقابل بین شاخص عاطفی عصبی شخصیت، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، و ویژگی‌های شخصیت در این دانش‌آموزان هنوز ناشناخته باقی مانده است. درک این رابطه برای توسعه مداخلات و سیستم‌های حمایتی مناسب برای افزایش رفاه کلی و موفقیت تحصیلی آنها بسیار مهم است. بنابراین، این مطالعه با هدف بررسی رابطه بین شاخص عاطفی عصبی شخصیت و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با صفات شخصیت دانش‌آموزان متوسطه مدارس تیزهوشان انجام شد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف تحقیقی کاربردی به حساب می‌آید و از لحاظ جمع‌آوری اطلاعات، پژوهش در زمره تحقیقات توصیفی قرار می‌گیرد. به گونه‌ای دقیق‌تر پژوهش حاضر از نوع تحقیقات همبستگی است و هدف آن بررسی ارتباط بین متغیرها است. جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی دانش‌آموزان تیزهوشان در مقطع دوم متوسطه‌ی شهر اردبیل بود که در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ به تحصیل مشغول بودند. از آنجایی که نمونه مطالعه حاضر را دانش‌آموزان تیزهوشان در مقطع دوم متوسطه تشکیل داد پس از بررسی جامعه آماری تعداد کلی جامعه پژوهش تقریباً ۲۰۰۰ نفر بود. لذا نمونه پژوهش حاضر بر اساس جدول مورگان ۳۲۲ دانش‌آموز برآورد شد و با در نظر گرفتن احتمال ریزش و عدم مشارکت دانش‌آموزان ۳۵۰ پرسشنامه در میان نمونه آماری پخش شد. تعداد ۲۴ پرسشنامه به دلایل ناقص بودن پاسخ سوالات و انصراف مشارکت‌کنندگان از حضور در مطالعه کنار گذاشته شد و نهایتاً ۳۲۶ پرسشنامه معتبر جهت تحلیل وارد نرم افزار SPSS شد. در این پژوهش به دلیل اینکه جامعه خیلی بزرگ و پراکنده می‌باشد از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی استفاده شد. بدین صورت که از بین یکی از دو ناحیه‌ی آموزش و پرورش شهر اردبیل را انتخاب (ناحیه یک) و از بین مدارس متوسطه‌ی دوره‌ی دوم تحت پوشش اداره‌ی مورد نظر به طور تصادفی دو مدرسه شهیدبهشتی (پسرانه) و فرزانه‌گان (دخترانه) در سه رشته‌ی ریاضی و فیزیک، علوم تجربی و علوم انسانی و در سه پایه‌ی دهم، یازدهم و دوازدهم برگزیده شدند؛ و دانش‌آموزانی که در زمان حضور پژوهشگر در محل، زیر نظر مسئول مدرسه تمایل به شرکت در پژوهش را داشتند، انتخاب شدند و از نظر متغیرهای وضعیت جسمانی و عملکرد تحصیلی هم‌تا شدند. در گام نهایی، پرسشنامه‌های مورد نظر در اختیار اعضای نمونه قرار داده شد. ملاک‌های ورود به مطالعه شامل دانش‌آموز تیزهوش بودن، علاقه به شرکت در پژوهش، عدم استفاده از داروهای روان‌درمانی و نداشتن مشکلات روحی برای دانش‌آموزان در زمان مطالعه بود که کسب اطلاعات در این مورد با توجه به پرونده سلامت دانش‌آموز انجام شد؛ همچنین برای اطمینان بیشتر محقق مطالعه حاضر بصورت شفاهی در ابتدا و قبل از پاسخ‌گویی به سوالات، این مورد را با خود دانش‌آموزان بررسی کرد. همچنین ملاک‌های خروج از مطالعه نیز شامل تکمیل ناقص پرسشنامه و عدم تمایل به شرکت در پژوهش بود. لازم به ذکر است که در مطالعه‌ی حاضر ملاحظات اخلاقی رعایت شد و پیش از توضیح اهداف پژوهش در راستای جمع‌آوری نمونه‌ها، جهت حفظ رازداری به مشارکت‌کنندگان اطمینان خاطر داده شد که اطلاعات شخصی و هویتی آنها در هیچ جایی درج نخواهد شد. همچنین، اهداف پژوهش برای شرکت‌کنندگان تبیین شد و روال کار برای آنها تشریح. نهایتاً، به تمامی مشارکت‌کنندگان اطمینان خاطر داده شد که داده‌های مستخرج از مصاحبه بدون ذکر نام خاصی به صورت کلی و بدون هویت فردی تجزیه و تحلیل شد. در زیر ابزارهای پژوهش به تفصیل آورده شده است.

رابطه بین شاخص عاطفی عصبی شخصیت و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با صفات مرضی شخصیت دانش آموزان متوسطه مدارس تیزهوشان

پرسشنامه مقیاس شخصیت نوروساینس پانکسپ (ANPS)^۱

مقیاس شخصیت عاطفی عصب‌شناسی (ANPS) پرسشنامه‌ای است که براساس نظریه هیجانات پایه جک پانکسپ طراحی شده است و در سال ۲۰۰۳ برای اولین بار توسط جک پانکسپ و دیویس کنت منتشر شد تا روانشناسان، روانپزشکان و عصب‌شناسان را قادر سازد تا تفاوت‌های فردی در سیستم‌های عاطفی اولیه را بر اساس نظریه عصبی عاطفی پانکسپ ارزیابی کنند (مونتاگ، الهایی^۲ و دیویس، ۲۰۲۱). این پرسشنامه شامل ۱۱۲ گویه خبری است که پاسخگو در یک مقیاس لیکرت از (کاملاً موافق) تا (کاملاً مخالف) به آنها پاسخ می‌دهد و از چندین خرده مقیاس تشکیل شده است که با ویژگی‌های عاطفی مختلف مطابقت دارد (مونتاگ و همکاران، ۲۰۲۱). مقیاس‌های آن عبارت‌اند از: جست‌وجو: این مقیاس تمایل فرد به جست‌جوی تجربیات جدید و پاداش‌ها را اندازه‌گیری می‌کند؛ ترس: این مقیاس سطح ترس یا اضطراب فرد را در پاسخ به تهدیدها یا خطرات احتمالی ارزیابی می‌کند؛ غمگینی: این مقیاس تمایل فرد به تجربه احساسات غمگینی و افسردگی را اندازه‌گیری می‌کند؛ بازی: این مقیاس تمایل فرد به بازی، کنجکاوی و کاوش را ارزیابی می‌کند؛ مراقبت: این مقیاس ظرفیت فرد را برای رفتارهای مراقبتی نسبت به دیگران، ارزیابی می‌کند؛ خشم: این مقیاس میزان تجربه عصبانیت یا ناامیدی افراد را در پاسخ به بی‌عدالتی‌ها را اندازه می‌گیرد؛ معنویت: این مقیاس یک هیجان اولیه را نشان نمی‌دهد و به دلیل علاقه سازنده این ابزار یعنی جک پانکسپ به کار با الکی‌ها ایجاد شده است. سلطه اجتماعی: این مقیاس تمایل فرد به ادعای اقتدار و جست‌جوی قدرت یا نفوذ در زمینه‌های اجتماعی را اندازه‌گیری می‌کند (مونتاگ و همکاران، ۲۰۲۱). این پرسشنامه ابزاری استاندارد سازی شده است و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ این مقیاس برای خرده مقیاس‌های آن بین ۰/۷۷ تا ۰/۸۹ و بسیار خوب محاسبه شده است (مونتاگ و همکاران، ۲۰۲۱). پایایی این پرسشنامه در ایران توسط امیری و آزاد-مرزآبادی^۳ (۲۰۱۷) هنجاریابی شده است و پایایی نمره کل آن با استفاده از با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ و مطلوب گزارش شده است.

سیاهه شخصیت برای DSM-5 (PID-5)^۴

فرم کوتاه پرسشنامه شخصیت توسط کروگر^۵ و همکاران (۲۰۱۲) تدوین شده است و یک مقیاس خودسنجی ۲۵ آیتمی برای سنجش صفات ناسازگار شخصیتی در بزرگسالان از ۱۸ سال به بالا تر می‌باشد در واقع این ابزار به منظور ارزیابی مدل ابعادی ۵ بعد یا حیطه نابه‌هنجار شخصیت طراحی شده و ماده‌های مستخرج آن در هر حیطه شامل ۵ ماده یا بعد فرم بلند می‌باشد. این پنج مقیاس شامل عاطفه مندی منفی، دل گسستگی، خصومت، مهار گسستگی و روان گسسته‌گرایی است. نمره گذاری این مقیاس از نوع لیکرت ۴ درجه ای (از صفر = کاملاً غلط، تا سه = کاملاً درست) درجه بندی می‌شود. کروگر و همکاران (۲۰۱۲) ویژگی‌های روانسنجی این مقیاس را در نمونه‌های جمعیت عادی و بیماران مورد بررسی قرار داده و همسانی درونی آنرا در خرده مقیاس‌ها از ۰/۷۳ تا ۰/۹۵ و برای کل آزمون ۰/۸۶ گزارش کرده‌اند. ساختار عاملی این ابزار برای جامعه ایرانی در مطالعه نمونه‌ای با حجم ۴۵۲ نفر تأیید شده و ضریب آلفای کرانباخ برای حیطه‌های عاطفه منفی ۰/۹۱، کناره‌گیری ۰/۹۳، بی‌قیدی ۰/۸۵، روان گسسته‌گرایی ۰/۹۳ و خصومت ۰/۹۲ گزارش شده است (همتی^۶ و همکاران، ۲۰۱۳).

پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ (SQ-SF)^۷

اولین بار در سال ۱۹۹۰ توسط یانگ ساخته شد. پرسشنامه خودگزارشی طرحواره‌های ناسازگار اولیه، فرم کوتاه، دارای ۹۰ ماده است که ۱۸ طرحواره ناسازگار اولیه را می‌سنجد. این طرحواره‌ها عبارتند از: (۱) محرومیت هیجانی، (۲) ره‌اشدگی/بی‌ثباتی، (۳) بی‌اعتمادی/بدرفتاری، (۴) انزوای اجتماعی/بیگانگی، (۵) نقص/شرم، (۶) شکست، (۷) وابستگی/بی‌کفایتی، (۸) آسیب پذیری

۱. Affective Neuroscience Personality Scales

۲. Elhai

۳. Amiri & Azad-Marzabadi

۴. Personality Inventory for DSM-5 (PID-5)

۵. Krueger

۶. Hemmati

۷. Young Schema Questionnaire- Short Form

نسبت به ضرر یا بیماری، ۹) خود گرفتار/ خویشتن تحول نیافته، ۱۰) اطاعت، ۱۱) ایثارگری، ۱۲) بازداری هیجانی، ۱۳) معیارهای سخت‌گیرانه، ۱۴) استحقاق/ بزرگ‌منشی، ۱۵) خویشتنداری/ خودانضباطی ناکافی، ۱۶) پذیرش جویی/ جلب توجه / تاییدطلبی، ۱۷) منفی‌گرایی/ بدبینی و ۱۸) تنبیه. هر طرحواره دارای ۵ جمله است که نوع طرحواره ناسازگار اولیه را در مقیاس شش درجه‌ای لیکرت از ۱ (کاملاً درمورد من نادرست است) تا ۶ (کاملاً درمورد من درست است) اندازه می‌گیرد. دریافت نمرات بالا (۵ و ۶) نشانه پررنگ بودن طیف طرحواره بوده و چنانچه آزمودنی در هر خرده مقیاس حداقل در پاسخ به دو گویه از پنج گویه، نمرات ۵ یا ۶ اخذ کرده باشد، دارای طرحواره ناسازگار فعال می‌باشد. یانگ، نورمن و توماس (۱۹۹۵)، نمونه ۹۰ ماده‌ای پرسشنامه را بر روی حجم نمونه ۵۶۴ نفری از دانشجویان آمریکایی اعتباریابی کردند و اعتبار آن را با استفاده از روش همسانی درونی و بازآزمایی به ترتیب ۰/۹۵ و ۰/۸۱ گزارش کردند (به نقل از حبیب‌زاده و رستم‌نژاد^۱، ۲۰۲۳). همچنین در ایران، روایی پرسشنامه فرم کوتاه ۹۰ سوالی ویرایش سوم، توسط یوسفی^۲ و همکاران (۲۰۱۰) بر روی حجم نمونه ۵۷۹ نفری بررسی شد. اعتبار پرسشنامه با استفاده از دو روش آلفای کرونباخ و دونیمه کردن، در کل نمونه به ترتیب (۰/۹۱ و ۰/۸۶) در دختران (۰/۸۷ و ۰/۸۴) در پسران (۰/۸۴ و ۰/۸۱) بود.

یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت شناختی در این پژوهش جنسیت و پایه تحصیلی بود. در این پژوهش ۳۲۶ دانش‌آموز مشارکت داشتند که ۱۴۸ نفر از دانش‌آموزان پسر (۴۵/۴۰ درصد) و ۱۷۹ نفر از دانش‌آموزان دختر (۵۴/۶۰ درصد) بودند. از این تعداد ۱۰۸ دانش‌آموز (۳۳/۱۳ درصد) در پایه دهم، ۱۱۹ دانش‌آموز (۳۶/۵۰ درصد) در پایه یازدهم و ۹۹ دانش‌آموز (۳۰/۳۷ درصد) در پایه دوازدهم مشغول به تحصیل بودند. در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی و مقدار چولگی و کشیدگی متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱؛ شاخص‌های توصیفی و چولگی و کشیدگی متغیرهای پژوهش

متغیر	زیرمقیاس	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
صفات مرضی شخصیت	صفات مرضی شخصیت (نمره کل)	۴۵/۸۰	۱۰/۰۲	۰/۵۶	۰/۶۳
	شاخص شخصیت عاطفی/عصب‌شناسی (نمره کل)	۳۰/۱/۱۷	۳۸/۲۴	۰/۲۶	۰/۱۲
	جستجو	۳۸/۷۱	۹/۲۲	-۰/۲۵	۰/۱۸
	مراقبت	۳۹/۵۴	۸/۵۳	۰/۱۵	۰/۳۴
شاخص شخصیت عاطفی/عصب‌شناسی	بازی	۳۴/۳۵	۹/۹۶	-۰/۱۱	-۰/۱۱
	ترس	۴۶/۱۷	۱۱/۴۷	-۰/۴۳	-۰/۴۴
	خشم	۴۰/۵۶	۱۱/۵۳	۰/۱۸	-۰/۰۲
	ناراحتی	۴۵/۱۲	۹/۹۰	۰/۰۵	-۰/۰۸
	معنویت	۳۵/۸۶	۱۰/۲۳	-۰/۰۴	-۰/۱۲
	سلطه اجتماعی	۲۰/۹۲	۶/۹۸	-۰/۰۵	-۰/۳۱
طرحواره‌های ناسازگار اولیه	بریدگی و طرد	۷۵/۴۲	۲۴/۸۸	۰/۳۳	-۰/۵۴
	خودگردانی و عملکرد مختل	۵۱/۰۲	۱۹/۹۷	۰/۷۴	-۰/۱۵
	محدودیت‌های مختل	۳۳/۱۹	۸/۰۴	۰/۳۴	۰/۰۵
	دیگرجهت مندی	۴۹/۹۵	۱۲/۶۸	۰/۱۲	-۰/۱۲
	گوش به زنگی بیش از حد وبازداری	۶۶/۵۷	۱۷/۶۰	۰/۱۸	-۰/۲۶

^۱. Habibzadeh & Rostamnezhad

^۲. Yousefi

رابطه بین شاخص عاطفی عصبی شخصیت و طر حواره‌های ناسازگار اولیه با صفات مرضی شخصیت دانش آموزان متوسطه مدارس تیزهوشان

در جدول ۱ میانگین و انحراف معیار نمرات دانش‌آموزان تیزهوشان در متغیرهای پژوهش و ابعاد آنها گزارش شده است. همچنین مقدار مشاهده شده چولگی بین بازه (۲ و -۲) قرار دارد. این بدین معناست که متغیرها از نظر کجی نرمال بوده و توزیع آنها متقارن می‌باشد. مقدار کشیدگی مشاهده شده نیز بین بازه (۲ و -۲) قرار دارد که نشان دهنده نرمال بودن توزیع متغیرها از لحاظ کشیدگی است. برای بررسی همبستگی بین متغیرهای پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲؛ ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
صفات مرضی															
شخصیت	۱														
(نمره کل)															
شاخص															
شخصیت	۰/۲۹**	۱													
عاطفی															
عصب‌شناسی															
جستجو	-۰/۲۳**	۰/۴۳**	۱												
مراقبت	۰/۲۸**	۰/۳۸**	۰/۲۲**	۱											
بازی	-۰/۱۳*	۰/۲۵**	۰/۳۳**	۰/۳۰**	۱										
ترس	۰/۳۹**	۰/۵۷**	-۰/۲۲**	-۰/۲۲**	-۰/۲۳**	۱									
خشم	۰/۵۵**	۰/۳۷**	-۰/۳۰**	۰/۱۸**	۰/۱۵**	۰/۵۵**	۱								
نازاحتی	۰/۴۹**	۰/۵۵**	-۰/۲۲**	۰/۲۲**	-۰/۲۵**	۰/۷۳**	۰/۴۷**	۱							
معنویت	-۰/۱۴*	۰/۳۴**	۰/۳۹**	۰/۵۲**	۰/۳۰**	-۰/۲۳**	-۰/۱۲*	-۰/۱۰	۱						
سلطه-	۰/۱۶**	۰/۴۵**	۰/۱۲**	۰/۰۶	۰/۰۵	۰/۱۵**	۰/۴۲**	۰/۱۸**	۰/۰۷	۱					
اجتماعی															
بریدگی و	۰/۵۷**	۰/۲۶**	-۰/۲۴**	۰/۰۵	-۰/۳۷**	۰/۵۱**	۰/۳۹**	۰/۶۱**	-۰/۱۹**	۰/۲۷**	۱				
طرد															
خودگردانی و	۰/۷۰**	۰/۲۵**	-۰/۳۰**	-۰/۰۲	-۰/۲۶**	۰/۵۴**	۰/۳۱**	۰/۵۳**	-۰/۱۶**	۰/۲۰**	۰/۷۹**	۱			
عملکرد مختل															
محدودیت‌های	۰/۴۵**	۰/۲۶**	-۰/۲۲**	۰/۰۷	-۰/۲۲**	۰/۴۲**	۰/۳۵**	۰/۴۶**	-۰/۰۸	۰/۳۰**	۰/۶۵**	۰/۶۵**	۱		
مختل															
دیگرجهت	۰/۵۱**	۰/۳۷**	-۰/۱۱*	۰/۱۵**	-۰/۱۸**	۰/۵۰**	۰/۲۶**	۰/۵۳**	-۰/۰۲	۰/۲۲**	۰/۷۱**	۰/۶۸**	۰/۶۲**	۱	
مندی															
گوش به زنگی	۰/۵۴**	۰/۳۰**	-۰/۲۵**	۰/۰۱	-۰/۳۷**	۰/۶۰**	۰/۳۶**	۰/۵۹**	-۰/۱۸**	۰/۳۵**	۰/۸۲**	۰/۷۶**	۰/۶۹**	۰/۷۶**	۱
بیش از حد و															
بازداری															

P**<0.01, P*<0.05

همانگونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود اکثر متغیرها با یکدیگر دارای همبستگی مثبت و معنادار هستند ($P<0.01$). در این میان صفات مرضی شخصیت بیشترین معنی‌داری را خودگردانی و عملکرد مختل، طرد و بریدگی و خشم دارد و این سازه (صفات مرضی شخصیت) کمترین همبستگی (معکوس) را با بازی و معنویت دارد. به منظور آزمون حیطه‌های طر حواره‌های ناسازگار اولیه و شاخص شخصیت عاطفی عصب‌شناسی در پیش‌بینی صفات مرضی شخصیت دانش‌آموزان تیزهوشان از تحلیل رگرسیون به شیوه همزمان استفاده شد. اما برای استفاده از مدل رگرسیون لازم است ابتدا مفروضات آن بررسی شود. به همین

جهت برای بررسی استقلال خطاها از آزمون دوربین/واتسون و برای بررسی هم خطی متغیرها از ضرایب تحمل و تورم واریانس استفاده شد. در همین راستا، ارزش عددی آزمون دوربین/واتسون برابر با $(DW=2/06)$ بود که در بازه مناسب قرار داشت و نشان دهنده برقراری پیش فرض استقلال خطاها جهت انجام مدل رگرسیون می باشد. همچنین مقادیر شاخص شخصیت عاطفی عصب شناسی تحمل واریانس در متغیرهای پژوهش بین بازه $(0/36)$ تا $(0/79)$ قرار داشت و مقادیر مرتبط با تورم واریانس (VIF) نیز در جداول ۳ و ۴ آورده شده است و در بازه $(1/22)$ و $(4/09)$ و کمتر از ۱۰ قرار دارند که نشان دهنده برقراری مفروضه عدم هم خطی بین متغیرهاست. بنابراین استفاده از مدل خطی رگرسیون مجاز می باشد.

جدول ۳؛ نتایج تحلیل رگرسیون (همزمان) برای پیش بینی صفات مرضی شخصیت از طریق شاخص شخصیت عاطفی عصب شناسی و مؤلفه های آن

ملاک	مؤلفه های شاخص سیستم هیجانی عصبی	همبستگی نیمه تفکیکی	VIF	ضرایب رگرسیون			معناداری مدل			مجذور R
				بتا (β)	t	Sig.	F	d.f.	Sig.	
صفات مرضی شخصیت	جستجو	۰/۱۵	۲/۳۵	۰/۱۶	۲/۷۱	۰/۰۰۷	۴۱/۴۵	۹	۰/۰۰۰	۰/۵۴۱
	مراقبت	۰/۰۷	۱/۹۸	۰/۰۷	۱/۳۰	۰/۱۹۲				
	بازی	۰/۰۶	۱/۴۴	۰/۰۵	۱/۰۲	۰/۳۰۴				
	ترس	۰/۲۲	۴/۰۹	۰/۳۱	۳/۹۷	۰/۰۰۰				
	خشم	۰/۶۰	۱/۲۲	۰/۵۵	۱۳/۲۶	۰/۰۰۰				
	ناراحتی	۰/۳۸	۲/۸۵	۰/۴۷	۷/۳۴	۰/۰۰۰				
	معنویت	۰/۱۴	۱/۸۴	۰/۱۳	۲/۴۲	۰/۰۱۶				
	سلطه اجتماعی	۰/۱۶	۱/۷۰	۰/۱۴	۲/۸۹	۰/۰۰۴				

بر طبق نتایج جدول ۳ مؤلفه های شاخص شخصیت عاطفی عصب شناسی، صفات مرضی شخصیت را با ۵۴ درصد قدرت تبیین به طور معناداری $(F(9) = 41/45; p < 0/001)$ پیش بینی کرده اند. لازم به ذکر است که در این میان ضرایب بتای مؤلفه های جستجو $(\beta = -0/16; p < 0/007)$ ، ترس $(\beta = 0/31; p < 0/001)$ ، خشم $(\beta = 0/55; p < 0/001)$ ، ناراحتی $(\beta = 0/47; p < 0/001)$ ، معنویت $(\beta = 0/13; p < 0/016)$ و سلطه اجتماعی $(\beta = 0/14; p < 0/004)$ معنادار بوده اند. بدین معنی که این زیرمقیاس های مذکور قوی ترین سهم را در تبیین صفات مرضی شخصیت دارند. لازم به ذکر است ضریب بتای زیرمقیاس خشم برابر با ۵۵ درصد بوده است و این بدین معناست که این متغیر قوی ترین سهم یگانه را در تبیین متغیر ملاک دارد.

جدول ۴؛ نتایج تحلیل رگرسیون استاندارد همزمان برای پیش بینی اضطراب فراگیر از طریق حوزه های طرحواره های ناسازگار اولیه

ملاک	حوزه های طرحواره های ناسازگار اولیه	همبستگی نیمه تفکیکی	VIF	ضرایب رگرسیون			معناداری مدل			مجذور R
				بتا (β)	t	Sig.	F	d.f.	Sig.	
صفات مرضی شخصیت	بریدگی و طرد	۰/۴۳	۱/۶۸	۰/۴۰	۸/۶۳	۰/۰۰۰	۸۹/۴۲۵	۵	۰/۰۰۰	۰/۵۸۳
	خودگردانی و عملکرد مختل	۰/۴۶	۲/۸۰	۰/۵۷	۹/۳۷	۰/۰۰۰				
	محدودیت های مختل	-۰/۰۳	۲/۱۰	-۰/۰۱	-۰/۲۷	۰/۷۸۶				
	دیگرجهت مندی	۰/۰۵	۲/۶۰	۰/۰۵	۰/۸۱	۰/۴۱۸				
	گوش به زنگی بیش از حد و بازداری	-۰/۱۳	۳/۸۰	۰/۱۷	-۲/۳۴	۰/۰۱۹				

بر طبق نتایج جدول ۴ حوزه های طرحواره های ناسازگار اولیه، صفات مرضی شخصیت را با ۵۸ درصد قدرت تبیین به طور معناداری $(F(5) = 89/425; p < 0/001)$ پیش بینی کرده اند. لازم به ذکر است که در این میان ضرایب بتای حوزه های بریدگی و طرد $(\beta = 0/40; p < 0/001)$ ، خودگردانی و عملکرد مختل $(\beta = 0/57; p < 0/001)$ و گوش به زنگی بیش از حد و بازداری

رابطه بین شاخص عاطفی عصبی شخصیت و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با صفات مرضی شخصیت دانش آموزان متوسطه مدارس تیزهوشان

($\beta=0.17$; $p<0.01$) معنادار بوده‌اند. بدین معنی که این حوزه‌های ذکر شده قوی‌ترین سهم را در تبیین صفات مرضی شخصیت دارند. همچنین قابل ذکر است ضریب بتای زیرمقیاس خودگردانی و عملکرد مختل ۵۷ درصد بوده است و این بدین معناست که این متغیر قوی‌ترین سهم یگانه را در تبیین متغیر ملاک دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف مطالعه حاضر بررسی رابطه بین شاخص عاطفی عصبی شخصیت و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با صفات مرضی شخصیت دانش آموزان متوسطه مدارس تیزهوشان بود. اولین یافته این پژوهش حاکی از آن بود که مؤلفه‌های شاخص عاطفی عصبی شخصیت ۵۴ درصد از تغییرات صفات مرضی شخصیت دانش‌آموزان تیزهوش را پیش‌بینی می‌کنند. این یافته با نتایج مطالعات (فرگوسن، ۲۰۲۱؛ پترسون و همکاران، ۲۰۲۱؛ آییدین و همکاران، ۲۰۲۳؛ شرر، ۲۰۲۰؛ کالفلیش و ژاویز، ۲۰۲۱؛ دیویس و مونتگ، ۲۰۱۹؛ مونتگ و پانکسپ، ۲۰۱۷؛ کالاهان و همکاران، ۲۰۲۰) بصورت مستقیم و غیر مستقیم همسو است. در تبیین این یافته می‌توان عنوان کرد که روابط مشاهده شده بین شاخص عاطفی عصبی شخصیت و صفات مرضی شخصیتی را می‌توان به مکانیسم‌های مختلفی نسبت داد و بر اساس آنها تبیین کرد. در وهله اول با گفت که برخی از مقیاس‌های شاخص عاطفی عصبی شخصیت مانند ترس و خشم که بیشترین قدرت تبیین را نیز داشته‌اند با سیستم لیمبیک مغز، که بر هیجانات و انگیزه حاکم است، مرتبط هستند (راجموهان و موهندس^۱، ۲۰۰۷). افزایش واکنش پذیری در این نواحی ممکن است افراد را به سمت صفات مرضی شخصیت که با اختلال در تنظیم عاطفی یا تکانشگری مشخص می‌شود، مستعد کند (کولا، تولی و برچ^۲، ۲۰۲۳؛ پائولس^۳ و همکاران، ۲۰۲۱). از طرف دیگر، تجربیات اولیه دوران کودکی، از جمله الگوهای دلبستگی و عوامل استرس زای محیطی، می‌توانند در شکل‌گیری شاخص عاطفی عصبی شخصیت (تالاروسکا، ویسیدیکی و چودیکوایز^۴، ۲۰۲۲) و طرحواره‌های ناسازگار اولیه (بیلگی^۵ و همکاران، ۲۰۲۲) نقش داشته باشند. در همین راستا، افرادی که ناملازمات یا آسیب‌های روانی را تجربه می‌کنند ممکن است بیشتر از خود واکنش‌های هیجانی و راهبردهای مقابله‌ای ناسازگاری را نشان دهند که منجر به ظهور صفات مرضی شخصیت می‌شود (کاریگ^۶ و همکاران، ۲۰۲۳). علاوه بر این، تأثیر متقابل بین شاخص عاطفی عصبی شخصیت و طرحواره‌های ناسازگار اولیه ممکن است بر فرآیندهای شناختی مانند سوگیری‌های توجهی، شکل‌گیری حافظه و تصمیم‌گیری تأثیر بگذارد (تالاروسکا و همکاران، ۲۰۲۲). الگوهای ناکارآمد در این فرآیندهای شناختی می‌تواند بیان صفات مرضی شخصیت را تشدید کند. همچنین می‌توان گفت که محیط اجتماعی، از جمله پویایی خانواده، روابط با همسالان و تأثیرات فرهنگی، می‌تواند بیان شاخص عاطفی عصبی شخصیت و طرحواره‌های ناسازگار اولیه را تعدیل کند. در همین راستا، تعارضات بین فردی، سلسله مراتب اجتماعی و انتظارات اجتماعی ممکن است به رشد یا تشدید صفات مرضی شخصیت منجر شود (جینز-کمپل^۷ و همکاران، ۲۰۲۳). لذا، بر اساس این توضیحات بنظر می‌رسد که رابطه بین شاخص عاطفی عصبی شخصیت و صفات مرضی شخصیت دانش آموزان متوسطه مدارس تیزهوشان امر منطقی محسوب می‌شود.

هدف مطالعه حاضر بررسی رابطه بین شاخص عاطفی عصبی شخصیت و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با صفات مرضی شخصیت دانش آموزان متوسطه مدارس تیزهوشان بود. دومین یافته این پژوهش حاکی از آن بود که طرحواره‌های ناسازگار اولیه ۵۸ درصد از تغییرات صفات مرضی شخصیت دانش‌آموزان تیزهوش را پیش‌بینی می‌کنند. این یافته با نتایج مطالعات (امامی و همکاران، ۲۰۲۴؛ مهدوی و همکاران، ۲۰۲۲؛ راموس و همکاران، ۲۰۲۳؛ موفیلد و همکاران، ۲۰۱۶؛ عقیلی، ۲۰۱۶) بصورت

¹ . Rajmohan & Mohandas

² . Kolla, Tully & Bertsch

³ . Paulus

⁴ . Talarowska, Wyasiadecki & Chodkiewicz

⁵ . Bilge

⁶ . Craig

⁷ . Jensen-Campbell

مستقیم و غیر مستقیم همسو است. در تبیین این یافته می‌توان عنوان کرد که اعتقاد بر این است که طرحواره‌های ناسازگار اولیه از تجربیات نامطلوب دوران کودکی و پویایی ناکارآمد خانواده سرچشمه می‌گیرند. این طرحواره‌ها پردازش شناختی و عاطفی افراد را شکل می‌دهند و در طول زمان بر رشد شخصیت آنها تأثیر می‌گذارند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). طرحواره‌های ناسازگار، افراد را مستعد تفسیر تجربیات به شیوه‌هایی می‌کند که باورهای منفی درباره خود و جهان را تقویت می‌کند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). این ادراکات تحریف شده به شکل‌گیری و تداوم صفات مرضی شخصیت منجر می‌شود (پاناگیوپولوس^۱ و همکاران، ۲۰۲۳؛ باسو^۲ و همکاران، ۲۰۱۹). از سوی دیگر، محیط اجتماعی، از جمله تعامل با همسالان و اعضای خانواده، نقش مهمی در شکل‌دهی طرحواره‌های ناسازگار اولیه و صفات شخصیتی دارد (اورو^۳ و همکاران، ۲۰۲۱). طرحواره‌های ناسازگار اولیه بین فردی ممکن است رابطه پیش‌بینی مشاهده شده در مطالعه حاضر را تشدید کرده باشد. در مطالعه حاضر سه حوزه بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل و گوش به زنگی بیش از حد و بازداری بیشترین قدرت تبیین را داشته‌اند؛ لذا، بطور اختصاصی‌تر می‌توان افزود که افراد با نمرات بالا در حوزه بریدگی و طرد ممکن است احساس بیگانگی، طرد شدن یا رها شدن را تجربه کنند. این احساسات می‌تواند در صفات مرضی شخصیت نمود پیدا کند (رینهارد^۴ و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین، نمرات بالا در حوزه خودگردانی و عملکرد مختل حاکی از مشکلات در حفظ استقلال، تصمیم‌گیری و دستیابی به اهداف شخصی است. چنین مشکلاتی ممکن است به صفات مرضی شخصیت منجر شود که با وابستگی، بی‌کفایتی یا اختلال در خود هدایتی مشخص می‌شود. (امامی و همکاران، ۲۰۲۴). نهایتاً، حوزه گوش به زنگی بیش از حد و بازداری شامل تمایلات به سمت هوشیاری بیش از حد، بازداری بیش از حد، و پایبندی سخت به قوانین یا رسوم است (بریدیشن^۵ و همکاران، ۲۰۲۰). افرادی که این ویژگی‌ها را نشان می‌دهند ممکن است صفات مرضی شخصیتی مرتبط با اضطراب، محدودیت یا احتیاط را نشان دهند؛ که در صفت مرضی شخصیت باز نمود پیدا می‌کند. این مطالعه بینش‌های ارزشمندی را در مورد تعامل پیچیده بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه، شاخص عاطفی عصبی شخصیت و صفات مرضی شخصیت در میان دانش‌آموزان تیزهوش دبیرستانی ارائه می‌دهد. با شناسایی حوزه‌های خاصی از طرحواره‌های ناسازگار اولیه که آسیب‌شناسی شخصیت را پیش‌بینی می‌کنند، می‌توان مداخلاتی را برای هدف قرار دادن این فرآیندهای شناختی و عاطفی زیربنایی طراحی کرد و در نهایت رشد شخصیت سالم‌تر و بهزیستی روان‌شناختی را در میان این جمعیت ارتقا داد.

نهایتاً بایستی عنوان کرد که، پژوهش حاضر نیز مانند هر پژوهش دیگری، با محدودیت‌هایی روبرو بوده است. انجام پژوهش فوق در میان جامعه آماری دانش‌آموزان مدارس تیزهوشان دوره متوسطه دوم در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ شهر اردبیل بود و این یعنی محدود بودن نمونه آماری. به همین دلیل قابلیت تعمیم‌پذیری نتایج به سایر سنین و همچنین به سایر محیط‌ها و فرهنگ‌ها را با محدودیت مواجه می‌کند و این امر اعتبار بیرونی پژوهش را مختل می‌کند. بدیهی است که این پژوهش، مقطعی بوده و نتایج حاصل‌شده، تنها نمایانگر معنی‌دار بودن آن در بین گروه‌های تحت بررسی است. با توجه به محدودیت‌های مذکور پیشنهاد می‌شود که پژوهش حاضر در سایر موقعیت‌ها و بافت‌های فرهنگی و در میان دیگر اقشار محصل (دانشجویان) تکرار شود و نتایج با یکدیگر مقایسه گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بعدی میان گروه‌هایی غیر از دانش‌آموزان تیزهوش و در میان سایر کودکان خاص و استثنا (مانند نوجوان با مشکلات رفتاری شدید) نیز اجرا شود. برای شناخت و حمایت از نیازهای منحصر به فرد دانش‌آموزان تیزهوش و حصول اطمینان از پاسخگویی محیط آموزشی به نیازهای عاطفی، شخصیتی و انگیزشی آنها، به عنوان پیشنهاد کاربردی، پیشنهاد می‌شود به مشاوران و معلمان مدرسه آموزش‌های لازم جهت برگزاری

¹. Panagiotopoulos

². Basso

³. Orue

⁴. Reinhard

⁵. Bredicean

رابطه بین شاخص عاطفی عصبی شخصیت و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با صفات مرضی شخصیت دانش آموزان متوسطه مدارس تیزهوشان

کارگاه‌های آموزشی داده شود. همچنین پیشنهاد می‌شود در مدارس، جلسات مشاوره و راهنمایی هدفمند و منظم برای حمایت از رفاه عاطفی و رشد روانی دانش آموزان تیزهوش برگزار شود.

تشکر و قدردانی

محققان بر خود لازم می‌دانند از کلیه معلمان و دانش آموزان عزیز که در اجرا و تکمیل پرسشنامه‌ها ما را یاری کردند تشکر نمایند. همچنین از مسئولین و مدیران محترم آموزش و پرورش اردبیل که با هماهنگی‌های لازم و حمایت خود انجام این تحقیق را میسر نمودند قدردانی می‌گردد.

منابع

- 1) Aghili, M. (2016). A comparison of perceived parental rearing, early maladaptive schemas and spiritual intelligence of female high school students in divorced and intact families. *Journal of psychologicalscience*, 15(57), 44-58.
- 2) American Psychiatric Association, D. S. M. T. F., & American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders: DSM-5* (Vol. 5, No. 5). Washington, DC: American psychiatric association.
- 3) Amiri, S., & Azad-Marzabadi, E. (2017). Validation of affective neuroscience personality scales in normal populations. *Neuropsychiatra i Neuropsychologia/Neuropsychiatry and Neuropsychology*, 12(3), 95-100.
- 4) Arntz, A., Jacob, G. A., Lee, C. W., Brand-de Wilde, O. M., Fassbinder, E., Harper, R. P., ... & Farrell, J. M. (2022). Effectiveness of predominantly group schema therapy and combined individual and group schema therapy for borderline personality disorder: A randomized clinical trial. *JAMA psychiatry*, 79(4), 287-299.
- 5) Ayaydin, Y., Sesen, B. A., Erdogan, S. C., Ün, D., & Özçiris, H. (2023). The Effect of Out-of-School Learning Activities on Gifted Students' Affective and Behavioral Tendencies towards the Environment. *Journal of Science Learning*, 6(1), 48-58.
- 6) Azimi, E., Jafari, L., & Mahdavinassab, Y. (2023). Using a design-based research methodology to develop and study prompts integrated into GeoGebra to support mathematics learning of gifted students. *Education and Information Technologies*, 28(10), 12541-12563.
- 7) Baccassino, F., & Pinnelli, S. (2023, January). Giftedness and gifted education: A systematic literature review. In *Frontiers in Education* (Vol. 7, p. 1073007). Frontiers Media SA.
- 8) Basso, L. A., Fortes, A. B., Steinhurst, E., & Wainer, R. (2019). The effects of parental rearing styles and early maladaptive schemas in the development of personality: a systematic review. *Trends in psychiatry and psychotherapy*, 41, 301-313.
- 9) Baudson, T., & Preckel, F. (2013). Teachers' implicit personality theories about the gifted: An experimental approach. *School Psychology Quarterly*, 28(1), 37-46.
- 10) Bilge, Y., Yilmaz, M., Hüroğlu, G., & Akan Tikici, Z. (2022). The effects of adverse childhood experiences and early maladaptive schemas on relationship obsessive-compulsive disorder. *Trends in Psychology*, 1-19.
- 11) Bredicean, A. C., Crăiniceanu, Z., Oprean, C., Riviş, I. A., Papavă, I., Secoşan, I., Franduş, M., Giurgi-Onu, C., & Grujic, D. (2020). The influence of cognitive schemas on the mixed anxiety-depressive symptoms of breast cancer patients. *BMC women's health*, 20(1), 32.

- 12) Brienza, L., Zennaro, A., Vitolo, E., & Andò, A. (2023). Affective Neuroscience Personality Scale (ANPS) and clinical implications: A systematic review. *Journal of Affective Disorders*, 320, 178-195.
- 13) Callahan, C. M., Azano, A. P., Park, S., Brodersen, A. V., Caughey, M., Bass, E. L., & Amspaugh, C. M. (2020). Validation of instruments for measuring affective outcomes in gifted education. *Journal of Advanced Academics*, 31(4), 470-505.
- 14) Craig, F., Servidio, R., Calomino, M. L., Candreva, F., Nardi, L., Palermo, A., Polito, A., Spina, M. F., Tenuta, F., & Costabile, A. (2023). Adverse Childhood Experiences and Mental Health among Students Seeking Psychological Counseling Services. *International journal of environmental research and public health*, 20(10), 5906.
- 15) Csathó, Á., & Birkás, B. (2018). Early-life stressors, personality development, and fast life strategies: An evolutionary perspective on malevolent personality features. *Frontiers in psychology*, 9, 305.
- 16) Davis, K. L., & Montag, C. (2019). Selected principles of Pankseppian affective neuroscience. *Frontiers in neuroscience*, 12, 427897.
- 17) Emami, M., Moghadasin, M., Mastour, H., & Tayebi, A. (2024). Early maladaptive schema, attachment style, and parenting style in a clinical population with personality disorder and normal individuals: a discriminant analysis model. *BMC psychology*, 12(1), 78.
- 18) Ferguson, S. K. (2021). Affective education: Addressing the social and emotional needs of gifted students in the classroom. In *Methods and materials for teaching the gifted* (pp. 479-512). Routledge.
- 19) Habibzadeh, K., & Rostamnezhad, M. (2023). Comparison of primary maladaptive schemas and attachment styles of women involved in emotional relationships with an age gap of 10 years or less and an age gap of 15 years or more (with male age advantage). *Applied Family Therapy Journal (AFTJ)*, 4(5), 321-333.
- 20) Hemmati, A., Dezhkam, M., Delavar, A., Atef Vahid, M. K., Borj'ali, A., & Kamkari, K. (2013). The Consistency between the Personality Psychopathology Five (PSY-5) Scales of the MMPI-2-RF Questionnaire and the Characteristics Proposed by DSM-IV Axis II. *Clinical Psychology Studies*, 3(12), 69-82.
- 21) Jensen-Campbell, L. A., Gleason, K. A., Adams, R., & Malcolm, K. T. (2003). Interpersonal conflict, agreeableness, and personality development. *Journal of personality*, 71(6), 1059-1086.
- 22) Kalbfleisch, M. L., & Xavier, C. G. (2021). Neuroscience and giftedness. In *Handbook for counselors serving students with gifts and talents* (pp. 103-123). Routledge.
- 23) Kolla, N. J., Tully, J., & Bertsch, K. (2023). Neural correlates of aggression in personality disorders from the perspective of DSM-5 maladaptive traits: a systematic review. *Translational Psychiatry*, 13(1), 330.
- 24) Krueger, R. F., Derringer, J., Markon, K. E., Watson, D., & Skodol, A. E. (2012). Initial construction of a maladaptive personality trait model and inventory for DSM-5. *Psychological Medicine*, 42(9), 1879-1890.
- 25) Lenvik, A., Jones, L. Ø., & Hesjedal, E. (2022). Teachers' perspective on gifted students with extraordinary learning potential in Norway: A descriptive study with primary and secondary teachers. *Gifted and talented international*, 37(2), 163-172.
- 26) Lenvik, A., Jones, L. Ø., & Hesjedal, E. (2023). Adapted Education for Gifted Students in Norway: A Mixed Methods Study. *Education Sciences*, 13(8), 774.
- 27) Limont, W., Dreszer-Drogorób, J., Bedyńska, S., Śliwińska, K., & Jastrzębska, D. (2014). 'Old wine in new bottles'? Relationships between overexcitabilities, the Big Five personality traits and giftedness in adolescents. *Personality and Individual Differences*, 69, 199-204.

- 28) Mahdavi, A., Afroz, G. A., Gholamali Lavasani, M., & Naghsh, Z. (2022). Multilevel analysis of relationship between parental popularity, maladaptive schemas and perfectionism in gifted adolescents. *Journal of psychological science*, 21(112), 727-742.
- 29) Mammadov, S. (2023). Personality profiles of gifted adolescents and relations with life satisfaction, perceived social support, and academic achievement. *High Ability Studies*, 34(1), 87-108.
- 30) McCrae, R. R., Costa P. T. Jr., Terracciano, A., Parker, W. D., Mills, C. J., De Fruyt, F., & Mervielde, I. (2002). Personality trait development from age 12 to age 18: Longitudinal, cross-sectional and cross-cultural analyses. *Journal of Personality and Social Psychology*, 83(6), 1456-1468.
- 31) Miller, A. L., & Speirs Neumeister, K. L. (2017). The influence of personality, parenting styles, and perfectionism on performance goal orientation in high ability students. *Journal of Advanced Academics*, 28(4), 313-344.
- 32) Mofield, E., Parker Peters, M., & Chakraborti-Ghosh, S. (2016). Perfectionism, coping, and underachievement in gifted adolescents: Avoidance vs. approach orientations. *Education sciences*, 6(3), 21.
- 33) Montag, C., & Panksepp, J. (2017). Primary emotional systems and personality: an evolutionary perspective. *Frontiers in psychology*, 8, 253148.
- 34) Montag, C., & Reuter, M. (2014). Disentangling the molecular genetic basis of personality: from monoamines to neuropeptides. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*, 43, 228-239.
- 35) Montag, C., Elhai, J. D., & Davis, K. L. (2021). A comprehensive review of studies using the Affective Neuroscience Personality Scales in the psychological and psychiatric sciences. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*, 125, 160-167.
- 36) Olszewski-Kubilius, P. M., Kulieke, M. J., & Krasney, N. (1988). Personality dimensions of gifted adolescents: A review of the empirical literature. *Gifted Child Quarterly*, 32(4), 347-352.
- 37) Orue, I., Calvete, E., & Fernández-González, L. (2021). Early maladaptive schemas and social information processing in child-to-parent aggression. *Journal of interpersonal violence*, 36(15-16), 6931-6955.
- 38) Panagiotopoulos, A., Despoti, A., Varveri, C., Wiegand, M. C., & Lobbstaël, J. (2023). The relationship between early maladaptive schemas and cluster C personality disorder traits: A systematic review and meta-analysis. *Current Psychiatry Reports*, 25(10), 439-453.
- 39) Panksepp, J. (2004). *Affective neuroscience: The foundations of human and animal emotions*. Oxford university press.
- 40) Panksepp, J. (2013). *Affective neuroscience. Healing moments in psychotherapy*, 169-193.
- 41) Panksepp, J., & Biven, L. (2012). A meditation on the affective neuroscientific view of human and animalian MindBrains. From the couch to the lab: trends in psychodynamic neuroscience, 145-175.
- 42) Paulus, F. W., Ohmann, S., Plener, P., & Popow, C. (2021). Emotional dysregulation in children and adolescents with psychiatric disorders. A narrative review. *Frontiers in psychiatry*, 12, 628252.
- 43) Peperkorn, C., & Wegner, C. (2020). The Big-Five-Personality and Academic Self-Concept in Gifted and Non-Gifted Students: A Systematic Review of Literature. *International Journal of Research in Education and Science*, 6(4), 649-667.
- 44) Peterson, J. S., Betts, G., & Bradley, T. (2021). Discussion groups as a component of affective curriculum for gifted students. In *Social-emotional curriculum with gifted and talented students* (pp. 289-320). Routledge.

- 45) Rajmohan, V., & Mohandas, E. (2007). The limbic system. *Indian journal of psychiatry*, 49(2), 132–139.
- 46) Ramos, A., Lavrijsen, J., Linnenbrink-Garcia, L., Soenens, B., Vansteenkiste, M., Sypré, S., ... & Verschueren, K. (2023). * Motivational Pathways Underlying Gifted Underachievement: Trajectory Classes, Longitudinal Outcomes, and Predicting Factors. *Gifted Child Quarterly*, 67(3), 179-197.
- 47) Reinhard, M. A., Nenov-Matt, T., & Padberg, F. (2022). Loneliness in Personality Disorders. *Current psychiatry reports*, 24(11), 603–612.
- 48) Shearer, C. B. (2020). Multiple intelligences in gifted and talented education: Lessons learned from neuroscience after 35 years. *Roeper Review*, 42(1), 49-63.
- 49) Sternberg, R. J., & Ambrose, D. (Eds.). (2021). *Conceptions of giftedness and talent*. London, UK: Palgrave Macmillan.
- 50) Talarowska, M., Wysocki, G., & Chodkiewicz, J. (2022). Affective neuroscience personality scales and early maladaptive schemas in depressive disorders. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(13), 8062.
- 51) Tasca, I., Guidi, M., Turriziani, P., Mento, G., & Tarantino, V. (2022). Behavioral and socio-emotional disorders in intellectual giftedness: A systematic review. *Child Psychiatry & Human Development*, 1-22.
- 52) Terman, L. M. (1925). *Genetic studies of genius: Mental and physical traits of a thousand gifted children*. Stanford University Press.
- 53) Wirthwein, L., Bergold, S., Preckel, F., & Steinmayr, R. (2019). Personality and school functioning of intellectually gifted and nongifted adolescents: Self-perceptions and parents' assessments. *Learning and Individual Differences*, 73, 16-29.
- 54) Young, J. E., & Klosko, J. S. (2003). *weishaar ME. Schema therapy: A practitioner's guide*. New York: The Guilford Pres.
- 55) Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2006). *Schema therapy: A practitioner's guide*. guilford press.
- 56) Yousefi, N., Etemadi, A. Z. R. A., Bahrami, F., Ahmadi, A., & Fatehi-Zadeh, M. (2010). Comparing early maladaptive schemas among divorced and non-divorced couples as predictors of divorce. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 16(1), 21-33.
- 57) Zeidner, M., & Shani-Zinovich, I. (2011). Do academically gifted and nongifted students differ on the Big-Five and adaptive status? Some recent data and conclusions. *Personality and Individual Differences*, 51(5), 566-570.